

## مرحوم حاج محمد کاظم قندی

مرحوم مغفور حاج محمد کاظم قندی دومین پسر حاج موسی و زهرا خانم میباشد.



مرحوم حاج محمد کاظم تاجر طهرانی معروف به قندی ( ۱۳۰۶ - ۱۲۳۰ )

### ولادت

مرحوم مغفور حاج محمد کاظم قندی در حدود سال ۱۲۳۰ هجری خورشیدی (یکصد و شصت و چهار سال قبل) در تهران به دنیا آمده است. ناصرالدین شاه قاجار در ۲۲ شهریور ماه سال ۱۲۲۷ خورشیدی به سلطنت رسید و در حقیقت تولد حاج محمد کاظم مقارن با اوایل سلطنت ناصرالدین شاه بوده است.

### زندگی‌نامه

دوران زندگی ۷۶ ساله حاج محمد کاظم مقارن با سلطنت ۴ شاه سلسله قاجار یعنی ناصرالدین شاه (۱۲۲۷ تا ۱۲۷۵)، مظفر الدین شاه (۱۲۷۵ تا ۱۲۸۵)، محمد علی شاه (۱۲۸۵ تا ۱۲۸۸)، و احمد شاه (۱۲۸۸ تا ۱۳۰۴) و دو سال اول سلطنت رضا شاه (از ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰) بوده است.

منزل مسکونی حاج محمد کاظم قندی در بازارچه نایب السلطنه کوچه روبروی حمام قبله و در مسیر مسجد ملاجعفر در بن بست دوم دست چپ قرار داشت. مسجد ملاجعفر بعدها مسجد و مدرسه علمیه آیت الله شیخ احمد مجتهدی تهرانی گردید. شغل حاج محمد کاظم تجارت بوده و از بادکوبه (باکوی امروزی) که جزو قلمرو روسیه تزاری بوده قند وارد میکرده و در سراسر ایران توزیع می کردند. حاج محمد کاظم هم به واسطه پدرش که تاجری سرشناس بوده و هم به واسطه محسنات بیشماری که خودش داشته بسیار معروف بوده و از تجار درجه یک زمان خودش محسوب می شده است. در عکس فوق، لباس ایشان لباس متداول تجار در آن زمان است و دستاری که بر سر دارند برنگ شکری با گل‌های ریز طلایی بوده که به عمامه شکری معروف بوده است.

ایشان علاوه بر مشغله کاری خود، پس از فوت برادر بزرگتر (حاج محمد علی)، سرپرستی موقوفات پدر (حاج موسی) را نیز بعهده داشته است و رسیدگی به امور مستمندان از دغدغه های خاطرشان بوده است.

پسر بزرگ ایشان، حاج علی اصغر در امور تجاری یاور و کمک حال ایشان بوده و بسیاری از امور تجاری را ایشان رتق و فتق می نموده است. حاج محمدکاظم دارای املاک زیادی هم بوده و مالک دو آبادی فرون آباد و خاتون آباد هم بوده است. پسر دوم ایشان، حاج محمدصادق بیشتر در اداره املاک کمک حال پدر بوده و به همین واسطه و به خاطر فعالیت هایی که خودشان در شمال کشور داشتند به ارباب محمد صادق معروف بودند.

تا کمتر از صد سال قبل نه خبری از سجل و شناسنامه بود، نه سازمانی که تولد و مرگ و ازدواج و طلاق را ثبت کند. به جای آن، روحانیون، ریش سفیدان محله یا بزرگان قوم بودند که تا قبل از رواج شناسنامه به سبک اروپایی ها، وقایع تولد را در کتاب های مقدس ثبت می کردند. در تاریخ سوم اسفند ۱۲۹۵ به پیشنهاد "نصرت الدوله" وزیر دادگستری، تصویب نامه ای درباره ثبت احوال از نظر دولت گذشت که مقرر شد از تاریخ پانزدهم آذر ۱۲۹۸ شمسی برای گرفتن تعرفه انتخابات، گذرنامه، جواز حمل و نقل، اقامه دعوی و گرفتن حواله پولی، از اشخاص مطالبه سجل احوال بشود. حاج محمد کاظم در سال ۱۲۹۶ خورشیدی و در زمان حکومت احمد شاه برای خود و خانواده اش و همچنین برای تعدادی از خواهر زاده هایش سجل میگیرد و به تاسی از شغل خود نام فامیل همگی را "قندی" انتخاب مینماید.

در زمان حاج محمد کاظم قندی و در رابطه با تجارت ایشان دو واقعه مهم رخ می دهد که هر دو بر کسب و کار و زندگی ایشان موثر بوده است.

### واقعه اول : فلک شدن تجار قند به دست علاءالدوله حاکم تهران

در منابع تاریخی در مورد این واقعه نوشته شده :

" از فلک در بازار تهران تا اسلامخواهی در ایران جدید -

گران شدن قند در رمضان سال ۱۳۲۳ ه.ق (پاییز ۱۲۸۴ خورشیدی) منجر به حرکتی تاریخی شد و جریانهای بعدی راه را برای مشروطه و اسلام خواهی در ایران جدید گشود، علما در مهاجرت صغری این گام تاریخی را برداشتند. وقتی قند در رمضان سال ۱۳۲۳ هـ ق گران شد و والی تهران دستور به فلک کردن تجار معتبر و با آبروی تهران را داد، هیچ کس فکر نمیکرد که چند سال بعد این غائله، شکل حکومت از سلطنت مطلقه به سلطنت مشروطه تغییر نماید. در فرایند شکلگیری این رویداد تاریخی و پس از به فلک کشیده شدن تجار، پای روحانیت شیعه نیز به میان کشیده میشود."

"از گرانی قند تا هجرت -

روزهای آخر رمضان ۱۳۲۳ هـ ق ( ۱۲۸۴ خورشیدی) در تهران، قند گران شد. گزارشهای تاریخی میگویند بهای آن از منی پنج قران، به هفت الی هشت قران رسید. علت این گرانی را جنگ روسیه و ژاپن در سال ۱۹۰۵ میلادی اعلام کردهاند، اما علت هرچه باشد، همین گرانی بهانههای شد برای علاءالدوله والی تهران که با نظر عینالدوله صدراعظم وقت دستور دهد تا چند تن از بازاریان را که اعتراضهایی به سیاستهای ظالمانه مسیو نوز بلژیکی وزیر کل گمرکات ایران داشتند، فلک کنند. دود این آتش بعدها به چشم حکومت در ایران رفت و خیلی چیزها را تغییر داد"

" اگرچه پس از کشته شدن ناصرالدین شاه به دست میرزا رضای کرمانی که آشکارا انگیزه خود را قطع ریشه ظلم و نتیجه تعلیمات سیدجمال الدین دانسته بود، کوشش بیشتر در روند مشروطه خواهی پیدا شد و شورشها و اعتراضاتی در شهرهای ایران علیه مظالم حکومت رخ می داد اما شروع جنبش مشروطه را معمولاً از ماجرای گران شدن قند در تهران و در دوره مظفرالدین شاه ذکر میکنند. علاءالدوله حاکم تهران هفده نفر از بازرگانان و دو تن سید را به جرم گران کردن قند به چوب بست. این کار که با تأیید عین الدوله صدراعظم مستبد مظفرالدین شاه انجام شد اعتراض بازاریان و روحانیان و روشنفکران را برانگیخت. اینان در مجالس و در مسجدها به سخنرانی ضد استبداد و تأسیس عدالتخانه یا دیوان مظالم پرداختند. خواست برکناری عینالدوله نخست وزیر و عزل مسیو نوز وزیر بلژیکی گمرکات و علاءالدوله حاکم تهران و حتی عسگر گاریچی به میان آمد و اعتصاب در تهران فراگیر شد"

علاءالدوله که از طرف عین الدوله صدراعظم مستبد مظفالدین شاه به حکومت تهران می رسد در ابتدای کار خود گران شدن قند را بهانه کرده و تجار سرشناس قند را برای محاکمه فرا می خواند. از جمله تجار سرشناس حاج محمدکاظم بوده ولی چون پسر بزرگ ایشان همه کاره تجارتخانه بوده خود داوطلب می شود که به جای پدر به مقرر حکومت برود ولی بعدا چون احساس می کردند ممکن است با تجار با اهانت برخورد شود قرار می شود یکی از دلال های قند به نام سید هاشم قندی به جای حاج علی اصغر به مقرر حاکم برود. علاءالدوله نیز برای آن که در ابتدای حکومت ضرب شصت نشان دهد دستور فلک کردن تجار را صادر می کند.

به زودی خبر فلک شدن تجار قند در شهر می پیچد و چون این افراد از محترمین بازار بوده و مورد وثوق مردم بوده اند، بازاریان مغازه ها را تعطیل کرده و اعتصاب شکل می گیرد و اعتراض مردم فراگیر می شود و تا صدور حکم مشروطیت و فرمان ایجاد عدالتخانه ادامه می یابد. البته فلک شدن سیدهاشم قندی باعث معروفیت وی و درج نام وی در تاریخ می شود و این جریان باعث می گردد او نیز خود یکی از تجار معروف شده و موقوفات وی از جمله مسجد قندی در خانی آباد هنوز موجود است.

### واقعه دوم: باطل شدن منات واحد پول روسیه تزاری توسط حکومت جدید پس از انقلاب اکتبر روسیه

از آن جا که تجارت حاج محمدکاظم با روسیه تزاری بود، حاج علی اصغر که متصدی امور تجارتخانه بود ترجیح می داد تا پول های خود را به منات روسی که ارز معتبر آن روزگار بوده نگه دارد تا بهتر بتواند امور خرید و فروش خود را انجام دهد. اما با وقوع انقلاب کمونیستی در روسیه و سرنگونی تزار، دولت جدید دست به اقدام های انقلابی می زند و از جمله کلیه منات های رایج زمان تزار را باطل اعلام می کند. در پی این اقدام، چندین صندوق منات های تجارت خانه حاج محمدکاظم از اعتبار ساقط می شود و ضربه مالی شدیدی به تجارت خانه شان وارد می شود. این واقعه حدود سال ۱۲۹۶ خورشیدی رخ می دهد. بنا بر قولی پول باطل شده ایشان حدود نهصد و پنجاه هزار تومان آن روز بوده است. دوران زندگی حاج محمد کاظم مقارن با وقایع تاریخی مهمی بوده است. بعضی از آن ها عبارتند از:

- نهضت تنباکو (۱۲۷۰ و ۱۲۷۱ خورشیدی)
- ترور ناصرالدین شاه (۱۲۷۵ خورشیدی)
- صدور فرمان مشروطیت (۱۲۸۵ خورشیدی)
- دوران استبداد صغیر (۱۲۸۷ و ۱۲۸۸ خورشیدی)
- کودتای رضا خان (۱۲۹۹ خورشیدی)
- تغییر سلسله سلطنت از قاجاریه به پهلوی (۱۳۰۴ خورشیدی)

حاج محمد کاظم علیرغم معروفیت و نقش مهم اجتماعی که داشته و فعالیت های اجتماعی گسترده از مسائل سیاسی همواره خود را کنار نگه داشته و کمتر آلوده این گونه امور شده است.

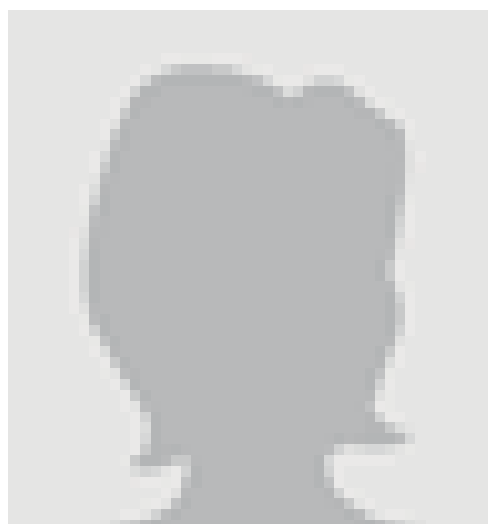
حاج محمدکاظم از همسر اول خود (مریم خانم متولد سال ۱۲۳۷ خورشیدی) صاحب ۳ پسر و ۴ دختر می شود که به ترتیب عبارت بودند از صاحب سلطان خانم، حاج علی اصغر، حاج محمدصادق، سکینه سلطان خانم، ربابه سلطان خانم و حاج محمد ابراهیم. ضمنا، در نوشته های مرحوم حاج محمد کاظم در پشت جلد قرآن کریم، از تولد و فوت فرزند هفتمی بنام آمنه خانم متولد ۲۶ شعبان سنه ۱۳۱۴ که مرحومه شده اند (مطابق با ۱۱ بهمن ماه سال ۱۲۷۵ خورشیدی) نیز یاد شده است.

مریم خانم همسر حاج محمدکاظم در سال ۱۲۷۷ خورشیدی و در ۴۰ سالگی بیمار شد و درحالیکه بزرگترین فرزندشان صاحب سلطان متولد ۱۲۶۰ خورشیدی هفده ساله، علی اصغر متولد ۱۲۶۲ خورشیدی پانزده ساله، محمد صادق متولد ۱۲۶۵ خورشیدی دوازده ساله، سکینه سلطان متولد ۱۲۶۷ خورشیدی ده ساله، ربابه سلطان متولد ۱۲۷۰ خورشیدی هفت ساله و کوچکترین فرزندشان محمد ابراهیم متولد ۱۲۷۴ خورشیدی فقط سه ساله بود، برحمت خدا میروند.

حاج محمد کاظم که در موقع فوت همسرشان کمتر از پنجاه سال سن داشته و بیشتر کودکان وی هنوز خردسال بوده اند، مدتی بعد از فوت مرحومه مریم خانم تن به ازدواج مجدد میدهد. حاج محمد کاظم حدود سال ۱۲۸۰ خورشیدی با دختر جوان منزل همسایه دیوار به دیوارشان بنام خدیجه سلطان ازدواج مینماید.



خدیجه سلطان خانم (همسر دوم حاج محمد کاظم)



مریم خانم (همسر اول حاج محمد کاظم)

حاج محمد کاظم منزل مسکونی خود را مهریه خدیجه سلطان خانم میکند و بین دو خانه که مجاور هم بودند (برای سهولت رفت و آمد مادر و دختر)، در باز میکند.

خانم خدیجه سلطان حدود ۲۶ سال با حاج محمد کاظم زندگی مشترک داشت. ایند و صاحب هشت فرزند (سه پسر و پنج دختر) شدند که بترتیب عبارتند از طوبی خانم (متولد ۱۲۸۲ خورشیدی)، حاج علی اکبر (متولد ۱۲۸۳ خورشیدی)، معصومه خانم (متولد ۱۲۸۵ خورشیدی)، حاج عبدالله (متولد ۱۲۸۹ خورشیدی)، حاج اسدالله (متولد ۱۲۹۳ خورشیدی)، زهرا خانم (متولد ۱۲۹۸ خورشیدی)، ماه سلطان خانم (متولد ۱۳۰۰ خورشیدی که خیلی زود فوت نموده است) و محترم خانم (متولد ۱۳۰۵ خورشیدی).

فرزندان مرحوم حاج محمد کاظم قندی



مرحوم محمد صادق قندی  
(۱۳۴۰-۱۲۶۵)



مرحوم علی اصغر قندی  
(۱۳۰۴-۱۲۶۲)



مرحومه صاحب سلطان قندی  
(۱۳۳۹-۱۲۶۰)



مرحوم محمد قندی  
(۱۳۴۸-۱۲۷۴)



مرحومه ربابه سلطان قندی  
(۱۳۳۰-۱۲۷۰)



مرحومه سکینه سلطان قندی  
(۱۳۲۰-۱۲۶۷)



مرحومه معصومه قندی  
(۱۲۸۵-۱۳۵۷)



مرحوم علی اکبر قندی  
(۱۲۸۳-۱۳۵۸)



مرحومه طویبی قندی  
(۱۲۸۲-۱۳۶۵)



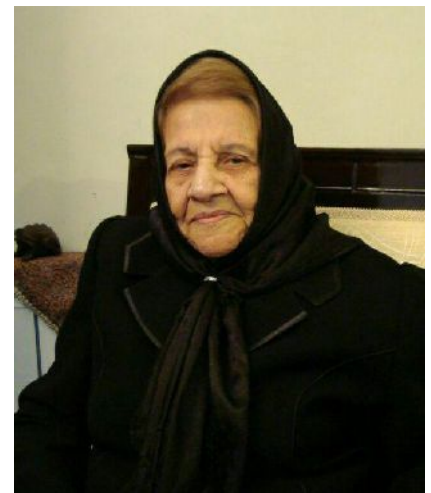
مرحومه زهرا قندی  
(۱۲۹۹-۱۳۶۴)



مرحوم اسدالله قندی  
(۱۲۹۳-۱۳۵۷)



مرحوم عبدالله قندی  
(۱۲۸۹-۱۳۷۶)



مرحومه محترم قندی  
(۱۳۰۵-۱۳۹۳)



پس از فوت حاج محمدکاظم ، خانم خدیجه سلطان منزل مسکونی خود و حاج محمد کاظم که مهریه اش بوده را بفروش میرساند و به همراه سه فرزند خردسالش (اسدالله، زهرا و محترم) در منزل مادری خویش ساکن و تحت سرپرستی پسر نوجوانش میرزا عبدالله قرار گرفت و تا آخر عمر با وی زندگی کرد. ایشان نزد فرزندان و نوه هایشان به "عزیز جان" مشهور بودند.

## وفات

تاریخ دقیق فوت حاج محمد کاظم قندی در دسترس نمیباشد. ولی بنا بر تاریخهای مندرج بر روی اسناد موجود؛ از قبیل سند صورت برداری از موجودی حجره ایشان پس از وفات و تقسیم نامه تنظیمی بین وراث آن مرحوم، فوت ایشان در نیمه اول سال ۱۳۰۶ خورشیدی (در سنی حدود ۷۶ سال و درحالیکه کوچکترین فرزندشان، محترم خانم حدوداً یک سال عمر داشتند) رخ داده است.

ایشان در سفر آخرشان (اوایل سال ۱۳۰۶ خورشیدی) که به اتفاق حاج محمدتقی قندی و عده ای دیگرعازم عتبات شدند، در آن جا بیمار شدند . پس از مدتی که کمی حالشان بهتر شد به اتفاق همراهان قصد مراجعت کردند. زمانی که به کرمانشاه رسیدند در منزل برادر خانمشان خدیجه سلطان، اقامت کردند. وی که حال ناخوش حاج محمدکاظم را دید اجازه حرکت به او نداد و برای مدت دو ماه از ایشان در منزل خودش مراقبت کرد . اما قضای الهی بر این بود که حاج محمدکاظم با این مریضی دارفانی را وداع گوید. بعد از فوت، تشییع جنازه مفصلی برای حاج محمدکاظم انجام شد و جنازه ایشان برای مدتی به عنوان امانت در یکی از امامزاده های کرمانشاه قرار داده شد و پس از مهیا شدن امکانات، پیکر ایشان به نجف حمل شد و پس از طواف در حرم امیرالمومنین(ع) در قبرستان وادی السلام نزدیک به مدفن حضرت هود و حضرت صالح ودر کنار مزار پدرشان حاج موسی، مادرشان زهرا خانم و برادرشان حاج محمدعلی و تنی چند از خواهرانشان به خاک سپرده شد.

خدیجه سلطان نیز در دهم ماه رمضان سال ۱۳۷۷ قمری (یازدهم فروردین ۱۳۳۷ خورشیدی) دارفانی را وداع گفت . وصیت ایشان، برای دفنشان در مجاورت پیکر حاج محمد کاظم بود.

با آن که در آن زمان مسافرت به عراق و حمل جنازه با مشکلات زیادی مواجه بود ، حاج عبدالله قندی توانستند مقدمات سفر را آماده کنند و همراه برادرشان مرحوم حاج میرزا علی اکبر و مرحوم آیت الله حاج میرزاعبدالعلی تهرانی و تنی چند از دوستان پیکر مادر را به نجف اشرف حمل نموده و در قبرستان وادی السلام کنار قبر حاج محمدکاظم دفن نمایند.

بعدا منزل پدری خانم خدیجه سلطان توسط حاج میرزا عبدالله قندی خریداری و ایشان تا سال ۱۳۴۸ در آن جا ساکن بودند. منزل اصلی حاج محمد کاظم نیز که توسط حاج میرزا عبدالعلی تهرانی خریداری شده بود، سال ها محل درس و مجالس ایشان بود و وپس از فوت وی مجالس حاج آقا مرتضی تهرانی فرزند حاج میرزا عبدالعلی نیز در آن محل برقرار بود . هر دووی آن منزل ها هنوز به سبک و سیاق سابق خود باقی است.

### ۱ - آقای مجتبی قندی

- مرحوم حاج محمدکاظم خصوصیات اخلاقی فوق العاده ای داشتند. همان طور که اشاره شد من هم در دو سه سخنرانی از مرحوم آقای مجتهدی که از تلویزیون هم پخش شد خاطراتی را از ایشان راجع به حاج محمدکاظم شنیدم. منزل حاج محمدکاظم در بازارچه نایب السلطنه کوچه روبروی حمام قبله و در مجاورت مسجد ملاجعفر قرار داشت که این مسجد بعدها مسجد و مدرسه علمیه آقای مجتهدی گردید. آقای مجتهدی معاصر مرحوم پدر ما بودند و ایشان حاج محمدکاظم را ندیده بودند اما به علت بودن در محلی که بزرگ قدیمی اش حاج محمدکاظم بوده از قدیمی ها و موثقین محلی خصوصیات ایشان را شنیده بودند. از جمله همین مطلب که می گفتند ایشان در ماه های رمضان سفره ای پهن می کرد و خود در سرکوچه و محل عبور افراد می ایستاد و هر رهگذری را فارغ از شغل و مقام و موقعیت اش برای افطار دعوت می کرد. این مطلب را من از مرحوم پدرمان هم شنیده بودم.

- حاج محمدکاظم همیشه در جیب خود چند تخم مرغ پخته داشت و در مسجد وقتی بچه هایی را می دید که برای نماز و یا دیگر شعائر مذهبی آمده یکی از این تخم مرغ ها را از جیب در می آورد و روی زمین به سمت آن بچه قل می داد. یعنی برخلاف افرادی که معمولا بچه ها را دعوا می کردند ایشان هم با دادن تخم مرغ پخته که قاقالی لی آن زمان بوده و هم با قل دادن آن که مقدمه ای برای بازی با بچه بود آنها را برای حضور در مسجد با عمل نیک خود دعوت می کرد. همچنین نقل است که ایشان در ماه های رمضان سفره ای پهن می کرد و خود در سرکوچه و محل عبور افراد می ایستاد و هر رهگذری را فارغ از شغل و مقام و موقعیت اش برای افطار دعوت می کرد. و یا اینکه شبهای جمعه آبگوشت تهیه میدیدند و بین مستمندان توزیع میکردند.

- از مناطق تهران قدیم که تقریبا دست نخورده باقی مانده همان منطقه آبا و اجدادی ما است. بازارچه نایب السلطنه، کوچه مثقالی، کوچه نجارباشی، گذر یحیی خان و ... تقریبا ساختار قدیمی خود را حفظ کرده اند بازدید از آن منطقه و دیدن بازارچه، حمام قبله که به عنوان اثر باستانی دوران صفویه ثبت میراث فرهنگی شده و مسجد آقا و زیارت قبر آقای مجتهدی و غیره علاوه بر تجدید خاطرات برای بچه های نسل های جدیدتر که چهره دیگری از شهر تهران را ببینند نیز می تواند جالب و خاطره انگیز باشد.

### ۲- آقای احمد اعنمادفر

بیشتر قدمای فامیل در بازارچه نایب السلطنه (اطراف حمام قبله)، کوچه روبروی حمام قبله، کوچه حاج ملاجعفر، کوچه حمام گلشن، کوچه پشت حمام قبله، کوچه ماسوره، کوچه نجار باشی، گذر یحیی خان و ..... زندگی میکردند.

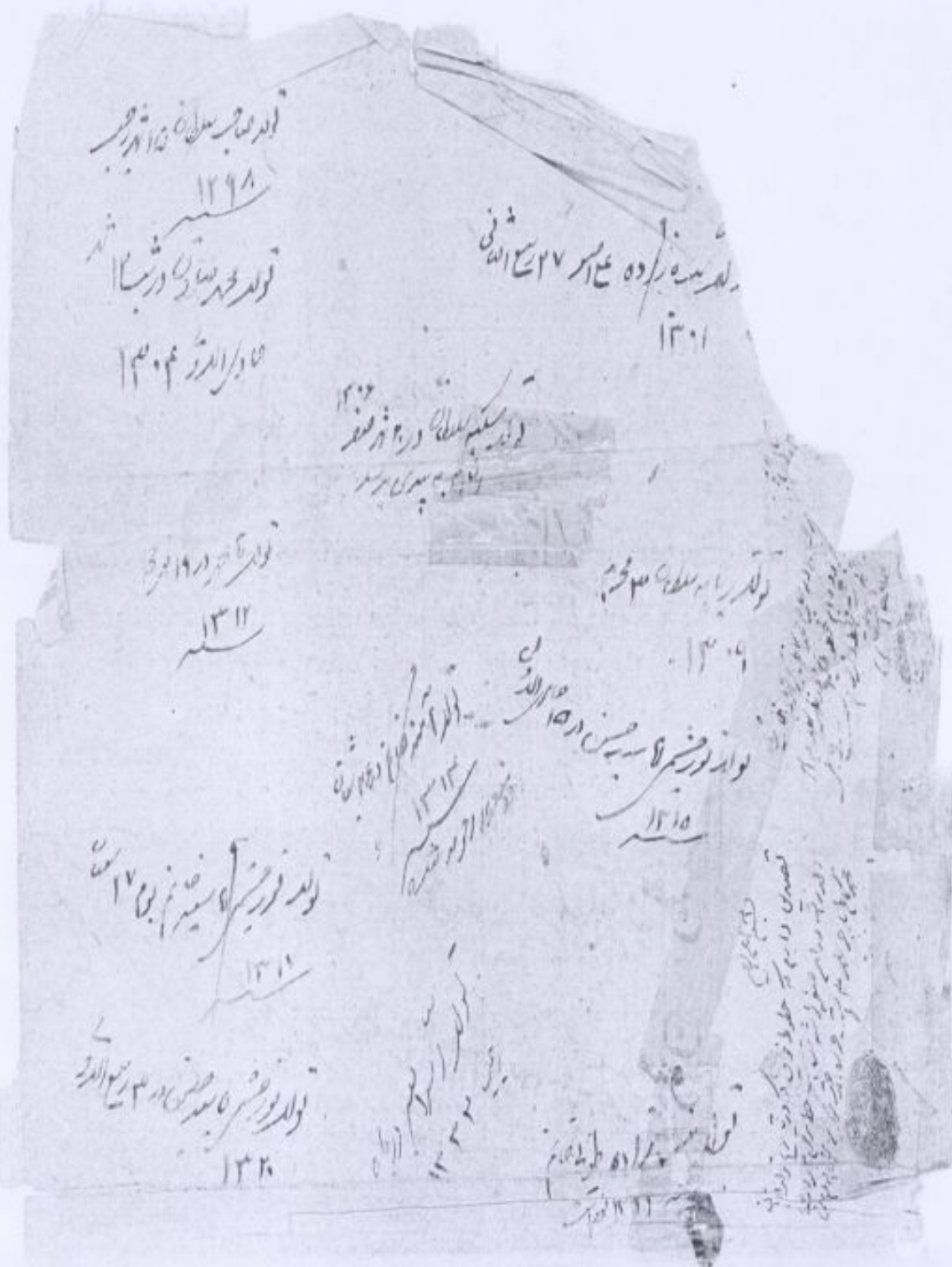
### ۳ - خانم ملیحه علی بیک

این چند روز که مصادف با سالروز فوت مامان و عزیزانش هست خیلی هوای قدیم رو کردم پیاد این افتادم که چند سال قبل از فوت مامان، ایشون هوس محله پدر مادریش رو کرده بود. با بچه ها مامانو بردیم بازارچه نایب السلطنه. دم خانه پدر مادری عزیز جان و خانه حاج محمد کاظم قندی پدر بزرگ عزیزمان. دو تا خانه اشرافی خیلی بزرگ. روح مامان تازه شد به یاد قدیم. البته آن خانه بعد ها توسط شخص شریفی بنام میرزا خریداری شده که پدر حاج مرتضی تهرانی معروف بودند که به تازگی فوت شدند. در زدیم وبا اجازه صاحب خانه درون خانه را دیدیم و خاطره های مرحوم مادرم زنده شد. حاج محمد کاظم پس از ازدواج با خدیجه خانم، خانه خود را مهریه ایشان کرده بودند.



## عکس ها و اسناد قدیمی

الف: دستخط حاج محمد کاظم تاجر طهرانی (معروف به قندی) در پشت جلد کلام الله مجید در مورد نام و زمان تولد تعدادی از فرزندان و تعدادی از نوه های ایشان. در حاشیه همین متن، صحت تعلق دستخط به ایشان به تایید تعدادی از علما و آشنایان ایشان رسیده است.



تولد فرزند حسین در ۱۵ شهریور ۱۳۱۵  
تولد فرزند حسین در ۱۳ شهریور ۱۳۱۳

تولد فرزند حسین در ۱۷ شهریور ۱۳۱۷

تولد فرزند حسین در ۲۳ شهریور ۱۳۲۰

تولد فرزند حسین در ۲۸ شهریور ۱۳۲۴

تولد فرزند حسین در ۱۵ شهریور ۱۳۳۱

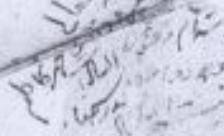
تولد فرزند حسین در ۱۴ شهریور ۱۳۳۱

تولد فرزند حسین در ۱۳ شهریور ۱۳۳۱

تولد فرزند حسین در ۱۳ شهریور ۱۳۳۱

تولد فرزند حسین در ۱۳ شهریور ۱۳۳۱

تولد فرزند حسین در ۱۳ شهریور ۱۳۳۱





ب: عکس ارسالی خانم افسانه قندی (دختر کوچک حاج محمد تقی قندی)

عکس زیر در سال ۱۳۰۳ شمسی و در مراسم عقد کنان خواهر زاده حاج محمد کاظم (مرحوم حاج محمد تقی قندی پسر اول حاجیه عالییه خانم - متولد ۱۲۷۹) با خانم طلعت عطری (متولد ۱۲۹۰ دختر حاج عزیز الله عطری) گرفته شده است. این عکس در یک قاب ۵۰ نفر را از بزرگ و کوچک نشان میدهد. تصویر مرحوم حاج محمد کاظم قندی با محاسن سفید و عمامه شکری مشخص است. افراد حاضر در این عکس که تا بحال شناسایی شده اند با شماره های زیر مشخص شده اند:

۱. حاج محمد کاظم قندی
۲. حاج علی اصغر قندی
۳. حاج محمد حسین حاج موسی (برادر زاده و داماد حاج محمد کاظم)
۴. حاج میز آقا حاج موسی (برادر زاده حاج محمد کاظم)
۵. حاج حسن حاج موسی (برادر زاده حاج محمد کاظم)
۶. حاج علی اکبر قندی
۷. حاج محمد ابراهیم قندی
۸. محمد نقی قندی (خواهر زاده حاج محمد کاظم)
۹. محمد تقی قندی (خواهر زاده حاج محمد کاظم)
۱۰. محمد حسن قندی (خواهر زاده حاج محمد کاظم)
۱۱. حاج غلامحسین بیرجندی ( پدر حاج کاظم آقا بیرجندی همسر عفت السادات طاهری)
۱۲. حاج علی اکبر همسر حاجیه شهربانو ( خواهر حاج محمد کاظم)

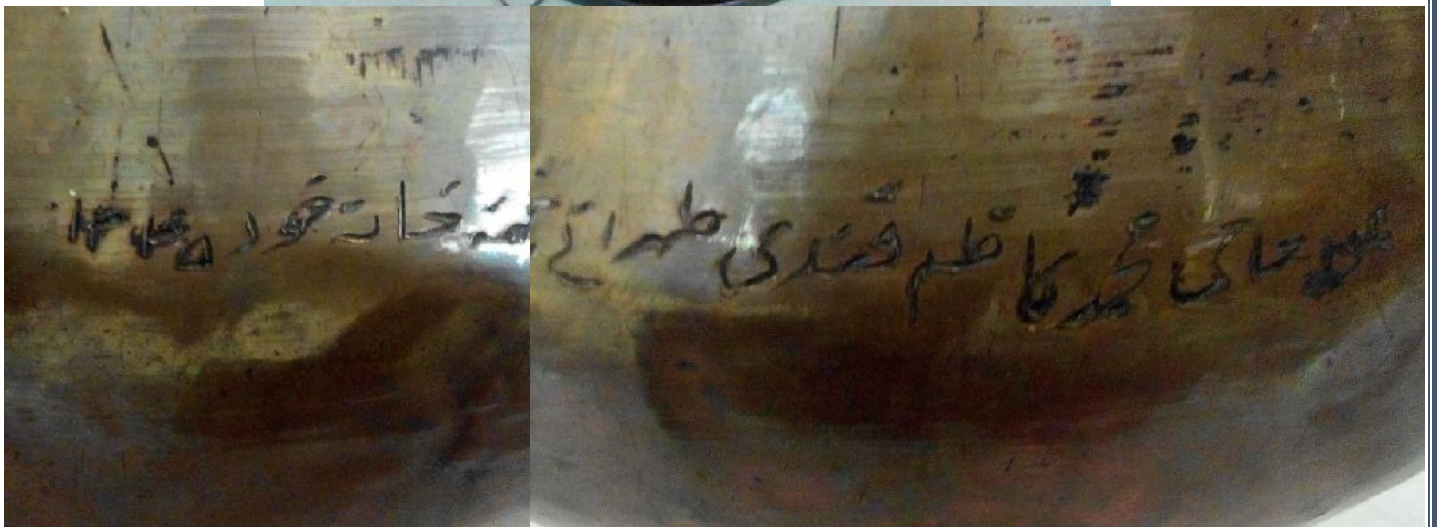




ج: عکس ارسالی آقای محمد امین کرمی (نوه ی سوم مرحومه محترم قندی )

نوشته حک شده روی ظرف :

عود حاجی محمد کاظم قندی طهرانی جهت خانه خود ۱۳۴۵ (هجری قمری برابر با ۱۳۰۵ هجری خورشیدی)،  
این عود از طرف مرحومه محترم قندی آخرین دختر حاج محمد کاظم قندی به دختر ایشان خانم ملیحه محمدعلی بیک داده  
شده است و هم اکنون در منزل ایشان به یادگار می باشد.







لذا اگر کسی در سجده نماز که چهار رکعتی است از وضو غافل شود و در سجده اول  
 بقیه نماز را تمام کند و در سجده دوم از وضو غافل شود و در سجده سوم وضو را بخورد  
 اول هم در سجده اول وضو را بخورد و در سجده دوم وضو را بخورد و در سجده سوم وضو را بخورد  
 بلکه در هر دو سجده اول و دوم وضو را بخورد و در سجده سوم وضو را بخورد  
 ساختگی است و در هر دو رکعت اول و دوم وضو را بخورد و در سجده سوم وضو را بخورد  
 خود که فرضاً بعد از نماز است در هر دو رکعت اول و دوم وضو را بخورد و در سجده سوم وضو را بخورد  
 نموده است آن شخص مرتکب گنجهت است و در هر دو رکعت اول و دوم وضو را بخورد و در سجده سوم وضو را بخورد  
 عدد و یک دیگر که در هر دو رکعت اول و دوم وضو را بخورد و در سجده سوم وضو را بخورد  
 دفع نمود و مالک است که در هر دو رکعت اول و دوم وضو را بخورد و در سجده سوم وضو را بخورد  
 به عنوان دفع و تقویت نمود و در هر دو رکعت اول و دوم وضو را بخورد و در سجده سوم وضو را بخورد  
 تا محرم تقویر است مخصوصاً در هر دو رکعت اول و دوم وضو را بخورد و در سجده سوم وضو را بخورد  
 و نفساً که تلف نمائید و از هر دو رکعت اول و دوم وضو را بخورد و در سجده سوم وضو را بخورد  
 بنویسد که بعد از نماز است که در هر دو رکعت اول و دوم وضو را بخورد و در سجده سوم وضو را بخورد  
 مخصوصاً در هر دو رکعت اول و دوم وضو را بخورد و در سجده سوم وضو را بخورد  
 در هر دو رکعت اول و دوم وضو را بخورد و در سجده سوم وضو را بخورد



ه: حساب سیاق موجودی حجره حاج محمد کاظم پس از فوت ایشان - تنظیم شده بتاريخ ۲۸ ربیع الاول ۱۳۴۶ قمری (مطابق با ۲ مهر ۱۳۰۶ خورشیدی) و برگ تعیین سهم الارث وراث حاج محمد کاظم - تنظیم شده بتاريخ ۱۳ ربیع الثانی ۱۳۴۶ قمری (مطابق با ۱۷ مهر ۱۳۰۶ خورشیدی)

